

دین در صحنه سیاست

رسول جعفریان در جریان ها و سازمان های مذهبی ـ سیاسی ایران به بررسی چرایی چیرگی نیروهای مذهبی در انقلاب پرداخته است



دکترعلی شریعتی در کنار آیت‌الله مطهری در حسینیه ارشاد

داشتند که دین را افیون توده‌ها می دانستند و تلاش داشتند جامعه را از این پیش‌زمینه رها سازند. با این همه در نهایت این روحانیت و نیروهای مذهبی بودند که در فاصله بیش از یک دهه تا پیروزی انقلاب در صحنه سیاسی نقش‌ی پررنگ به منظور مقابله با حکومت در پیش گرفتند و توان بسیج کنندگی قابل ملاحظه‌ای را از خود بروز دادند و در نهایت موفق شدند به عنوان گفتمان غالب از درون نظم جدید سر برآورند.

کتاب «جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی ـ سیاسی ایران» که چاپ اول آن در سال ۱۳۷۹ منتشر شد، و پس از آن توسط ناشران متفاوتی منتشر شده، می‌کوشد نشان دهد جریان‌های مذهبی چگونه خود را از زیر هراس‌افکنی پهلوی اول برای حذف نیروهای مذهبی بیرون کشیدند، سازماندهی کردند و به مبانی اندیشگی و تفکر خود شکل دادند تا آن را سال‌ها بعد در پیوند با سیاست مطرح کنند. نویسنده رویکرد خود در این اثر را تاریخی و فرهنگی و نه جامعه‌شناسانه می‌داند و می‌کوشد با حجم وسیعی از اسناد و داده‌های تاریخی که در اختیار دارد، زمینه توسعه

روزهای پس از شهریور ۱۳۲۰ (زمان تبعید رضاشاه) تا پیروزی انقلاب اسلامی را شرح دهد. دوره‌ای که به قول خود او «روحانیون و متدینین و گروه‌هایی که به نوعی در اندیشه احیای دین یا هماهنگ ساختن آن با دنیای جدید بودند، کوشیدند تا با اقدام به نوعی خانه‌تکانی، دین را که در تمام دوره رضاخان گرفتار انزوا شده بود، احیا کنند، آن را در پیوند بیشتری با جامعه و سیاست قرار دهند و تجربه جدیدی را در رویارویی با دنیای نو عملی سازند، تجربه‌ای که در نهایت به تأسیس جمهوری اسلامی انجامید.» تلاش جریان‌های مذهبی به منظور احیای این ساختار در قالب دو بخش قابل ردیابی است. یکی تلاش تشکل‌های منظم اعم از گروه‌ها، احزاب، انجمن‌ها، سازمان‌ها و... که با نوعی مرکزگرایی، شماری از افراد را به عضویت خود درآورده بودند و با اندیشه و استراتژی و تاکتیک‌های مخصوص به خود، در پهنه جامعه ایرانی به فعالیت پرداختند. دوم تلاش جریان‌های فکری که طیفی از نیروهای اجتماع را تحت‌تأثیر قرار دادند و با ایجاد موج‌های فکری آنان را به سمت و سوی خاصی هدایت کردند. کتاب می‌کوشد هر دو این تلاش‌ها را ردیابی و بازنمایی کند. به علاوه نویسنده تلاش دارد نشان دهد چگونه تشکل‌های مذهبی که «بی‌ریشه» بودند گاهی به دامان عقاید مارکسیستی می‌افتادند.

بازگشت و کنشگری

فصول اول کتاب «جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی ـ سیاسی ایران» روایت بازگشت نیروهای مذهبی به عرصه سیاست و کنش‌های آنان به منظور بازیابی قدرت اجتماعی و به تبع آن تأثیرگذاری سیاسی است. در فضای انتقال قدرت از رضاشاه پهلوی به پسرش در شهریور ۱۳۲۰، فضای فراهم آمد تا نزدیک به یک دهه، گروه‌های اجتماعی گوناگون بتوانند در این خلأ قدرت دست به سازماندهی مجدد بزنند و یکی از مهم‌ترین نیروهایی که این سازماندهی را در دستور کار قرار داد، نیروهای مذهبی بودند. علما رفته رفته در مورد رویدادهای سیاسی نظری‌دادند و مراجع تقلید نسبت به دوران رضاشاه سیاسی‌تر شدند. این وضعیت تنها مختص به تهران نبود و در شهرهای دیگری نظیر اصفهان، مشهد، شیراز و برخی از شهرهای دیگر نیز می‌توان تحركات دوره شاهد سر برآوردن یکی از دیرپاکن‌ترین گروه‌های مذهبی به رهبری یک روحانی به نام سیدمجتبی نواب صفوی هستیم. گروهی که او در فاصله سال‌های ۱۳۲۴-۱۳۲۴ از شماری طلبه‌های جوان و نیروهای مذهبی سازماندهی می‌کرد، به منظور پیشبرد اهداف خود دست به اعدام انقلابی برخی از چهره‌های سیاسی از جمله کسروی، هزیر و رزم‌آر زد.

کتاب در فصل دوم به سراغ حوزه علمیه قم می‌رود، جایی که آیت‌الله بروجردی تا سال ۱۳۴۰ زعامت آن را برعهده داشت و کمتر تمایلی برای ورود به جریانات سیاسی از خود نشان می‌داد اما پس از

داشتند؟» نویسنده تلاش می‌کند به این سوآلات پاسخ دهد. او برای این کار به تبیین و توضیح زیرساخت‌های معرفتی و اجتماعی که هر گروه مبارز، سازمان خود را روی آنها بنا و در فعالیت‌های اجتماعی بر آنها تکیه کرده بود، می‌پردازد. مؤلف همچنین به پیشینه تاریخی هر یک از گروه‌ها پرداخته و در این مسیر به حیثیتی که این گروه‌ها از خود خرج کرده و از آن طریق به تقویت این حرکت‌ها پرداختند، توجه می‌کند.

مدرن از طریق بازسازی علم دینی، روح حاکم بر بسیاری از اندیشه‌های انتقادی اوست و می‌کوشد حکمت صدرایی را در سطوح گوناگون فعال کند. او در زمینه علم دینی، علوم انسانی اسلامی و فرهنگ نظریه‌پرداز کرده است. نظام فکری پارسائیا مبتنی بر اصول حکمت متعالیه صدرایی شکل گرفته است. از نظر او، وحی قرآنی، عقل برهانی و شهود معصومانه عرفانی در طول هم هستند، نه در عرض هم و تمسک به یکی، ما را از تمسک به دیگری بی‌نیاز نمی‌کند. از این رو در نظام فکری او، با بهره بردن از عقل، نقل و شهود، قرآن کریم قرارگاه تمامی علوم است. در نظام فکری او، روش‌های مختلف فکری بر اساس روش عقل و نقل و شهود پذیرفته شده است. دکتر حمید پارسائیا در کتاب «حدیث پیمانه» به معرفت‌شناسی اجتماعی و فضای فکری‌فرهنگی‌ای که زمینه‌ساز انقلاب اسلامی در ایران بود و نیز سمت‌وسوی محورهای فکری گروه‌هایی پرداخته است که در سقوط رژیم پهلوی مؤثر بودند. در مقدمه کتاب با عنوان «برنامه راهبردی اندیشه ایرانی در آستانه انقلاب» آمده است: «از سوآلات رایجی که همواره ایرانیان از خود می‌پرسند این است که کدام گروه نقش اصلی را در ساختارسازی انقلاب ایران ایفا کرد؟ آیا گروه دینی نقش رهبری را به عهده داشت، با اصولاً برنامه‌ای برای ایجاد انقلاب وجود نداشت و این گروه نیز در این زمینه نقشه‌ای در سر نداشت؟ آیا ایده‌های انقلاب در سر افرادی قرار داشت که به روشنفکران دینی موسومند و یا تمامی شناخته‌شدگان در فضای فرهنگی ایران حضور داشتند؟ و دیگر آنکه شهیدان زیادی که تقدیم انقلاب شد عمدتاً به چه گروه‌هایی تعلق

درگذشت آیت‌الله بروجردی و با برآمدن نهضت امام خمینی در عرصه سیاست، شاهد شکل‌گیری پدیده روحانیون انقلابی هستیم. استاد مطهری در این زمان کوششی را به منظور تبیین فلسفه دین و مشخص کردن جهات مبارزات آغاز کرد و حرکت‌های فرهنگی، آموزشی و سیاسی در این راستا به وفور در حوزه علمیه مشاهده می‌شود. روحانیت تلاش داشت در برابر اقدام حکومت برای تأسیس مراکز دینی جدید که از دسترس آنان خارج بود و نظارت دولت بر دین را سبب می‌شد، خود نهادها و پایگاه‌های مذهبی ویژه‌ای ایجاد کند. همچنین یک نهضت ترجمه آثار اجتماعی- سیاسی به منظور بازگردانی کتب و نوشته‌های عربی- اخوانی به فارسی آغاز شد و ترجمه آثار نویسندگان عرب و حتی اروپایی درباره اسلام در دستور کار قرار گرفت.

فعالیت در همه سطوح

حوزه تنها فضایی نبود که دین در آن بازتولید می‌شد. در جای جای کشور دین با توجه به سابقه فرهنگی و تاریخی و هویتی که داشت پتانسیل احیا و بازتولید پیدا کرده بود. در بازار هیأت‌های مؤتلفه اسلامی کار خود را سازماندهی کردند و کوشیدند مجموعه خود را به گونه‌ای در امتداد حرکت فدائیان این بار زیر نظر نهضت امام خمینی قرار دهند. حزب ملل اسلامی با محوریت سیدمحمدکاظم موسوی بجنوردی نیز از دیگر گروه‌های اسلامی قائل به مش مش مسلحانه به منظور برپایی حکومت اسلامی بودند. نهضت آزادی ایران نیز در سال ۱۳۴۰ و در پی انشعاب از جبهه ملی کار خود را آغاز کرد و در حقیقت نیروهای مذهبی آن جریان را در خود جای می‌داد. همچنین این دوره عصر «انجمن‌های اسلامی» نیز بود که در دانشگاه‌های مختلف کشور فعالیت خود را دنبال می‌کردند. انجمن حجتیه نیز با هدف فراهم کردن شرایط ظهور امام زمان (عج) از سال ۱۳۳۲ کار خود را آغاز کرده بود. در این میان همه این نیروها نیم‌نگاهی به تحولات و نهضت‌های اسلامی در سایر کشورها داشتند که جعفریان به بیان برخی از این نهضت‌ها پرداخته است. همچنین فعالیت آیت‌الله طالقانی به عنوان روحانی که محل تلاقی و ارتباط بسیاری از این نیروها بود، به طور جداگانه مورد بررسی قرار گرفته است.

گروه‌ها و افراد تأثیرگذار

سازمان مجاهدین خلق به عنوان گروهی انقلابی که یک پا در اسلام و یک پا فیصل اندیشه‌های مارکسیستی داشت، طی فصل چهارم این اثر مورد پردازش و مطالعه قرار می‌گیرد و انشعاب‌ها و ارتباطات آن بیان می‌شود. حسینیه ارشاد و دکتر شریعتی پنجمین فصل کتاب «جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی ـ سیاسی ایران» را به خود اختصاص داده است. بحث‌های داخلی حسینیه ارشاد، نظر امام خمینی(ره) در مورد دکتر شریعتی، مرزبندی شریعتی با مارکسیسم و اقدامات ساواک در رابطه با حسینیه و شخص دکتر شریعتی در این فصل بررسی می‌شود. در آستانه انقلاب به نظر می‌رسید گروه‌ها و جریان‌های فعال مذهبی متعددی در سطح کشور نقش‌آفرینی می‌کردند که نویسنده کوشیده تا حدودی آنها را شناسایی و بازنمایی کند.



معرض ادراک و آگاهی حسی است، مشتمل بر کثرتی خواهد بود که در عرض یکدیگر قرار داشته و در نتیجه از هر نوع ارزش که ناظر به حقیقت و یا باطن آن است، بی‌بهره خواهد بود. اگر نگره آدمی به هستی دین‌مدارانه باشد، چون همه ابعاد زندگی مادی خود را در احاطه غیب می‌داند، هیچ‌گاه در مناسبات و رفتار طبیعی خود، از باطن امور، که نسبت به ظاهر نقشی تعیین‌کننده دارد، غافل نمی‌شود و بر این اساس کردار فدری و اجتماعی خود را تبیین و یا توجیه می‌کند. احاطه و حضور غیب، به شهادت و به جای جای زندگی آدمی رنگی دینی می‌بخشد و به همین رو نظریه جدایی دین از زندگی فردی یا اجتماعی و یا جدایی دین از حوزه زندگی طبیعی، تنها در پرتو نگاه غیبردینی به عالم و آدم ترسیم می‌شود.» به گفته پارسائیا، انسان در صورت انکار عالم غیب، باورهای دینی را به صورت بخشی از هستی خود که مربوط به ذهن یا وجدان فردی یا غرایز افراد است، تصویر می‌کند، ولی در صورت نگرشی دینی به هستی، به غیب و باطنی باور خواهد داشت که در عرض وجود او یا وجود اشیای دیگر نیست، بلکه محیط برآمور است؛ آن‌سان که هیچ واقعیتی بدون توجه بدان قابل بررسی و شناخت نیست و در ادامه می‌نویسد: «ترسیم حقیقتی که از یک سو با همه چیز و در همه احوال بوده و با این حال مربوط به باور و زندگی فردی افراد باشد و از دیگر سو در زندگی طبیعی و اجتماعی انسان حضور نداشته و نقشی را نیز ایفا نکند، تصویری تناقض‌آمیز و بی‌معناست و به همین رو در فرهنگ‌های دینی نمی‌توان الفاظی را که بیانگر این گونه جدایی باشند، یافت. این گونه الفاظ که در فرهنگ لاتین و غیبردینی به‌کار می‌روند، آن هنگام که به محدوده فرهنگ‌های دینی انتقال یابند، هیچ‌گاه معنایی مناسب نمی‌یابند؛ مانند واژه «سکولاریسم» که در کشورهای اسلامی به علمانیت، جدایی دین از دنیا، یا جدایی دین از سیاست و عبارت‌هایی که گاه مشتمل بر چند لفظ است، ترجمه شده اما با این وصف همچنان در انتزاع مخفی از قداست و پلیدی متصف شوند؛ یعنی اگر هستی چهره دینی نداشته باشد، طبیعی که در



حمید پارسائیا می‌کوشد حکمت صدرایی را در سطوح گوناگونی فعال کند. او در کتاب «حدیث پیمانه» به معرفت‌شناسی اجتماعی و فضای فکری‌فرهنگی‌ای که زمینه‌ساز انقلاب اسلامی در ایران بود و نیز سمت و سوی محورهای فکری گروه‌هایی پرداخته است که در سقوط رژیم پهلوی مؤثر بودند



و نقصان روبه‌رویییم.» به باور نویسنده «حدیث



گروه ابودر، گروه مهدیون، سازمان فجر اسلام، گروه فرقان، گروه آرمان مستضعفین، جنبش مسلمائان مبارز برخی از این گروه‌ها را شامل می‌شدند که بنابر ظرفیت‌های خود در این عرصه حاضر بودند. در فصل هفتم نویسندگان برجسته آثار دینی ـ سیاسی در آستانه انقلاب شناسایی و معرفی می‌شوند و در ذیل همین بخش به ادبیات و ادبیات منظوم انقلاب نیز پرداخته می‌شود. فصل آخر (فصل هشتم) به جریان‌های تجدیدنظرطلب در عقاید شیعه پرداخته و نمایندگان و سخنگویان این جریانات و افکاری که از رهگذار فعالیت‌های خود دنبال می‌کردند، معرفی و نقد شده است.

یک نقد و پاسخ به آن

یکی از مهم‌ترین انتقادهایی که درباره کتاب «جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی ـ سیاسی ایران» مطرح شده آن است که نویسنده وارد جزئیات و تحلیل‌های ریشه‌شناختی بعضی جریان‌های مهم نمی‌شود. رسول جعفریان در گفت‌وگویی در پاسخ به این انتقاد بر این باور است که: «یک دلیلش اهمیت برخی جریانات و تأثیرگذاری آنهاست. در این موارد مخاطب هم توقع بیشتری برای توضیح درباره آن جریان‌ها دارد. دلیل دیگر این است که یک جاهایی دست من در دسترسی به منابع بازر بوده و یک جاهایی بسته‌تر. نکته دیگر این است که من هرچا میهم‌تر بوده بیشتر بحث کردم. مثلاً درباره مرحوم کافی آن وقت چیزی نبود یا مثلاً در مورد محمد باقر کمره‌ای، منعی در دست نبود. مجبور شدم راه بیفتم، پسرانشان را پیدا کنم، یادداشت‌های خصوصی‌اش را پیدا کنم و تألیفاتش را یک به یک از کتابخانه‌ها جمع‌آوری کنم و یک تحلیلی درباره او بدهم. در واقع من سعی کرده‌ام به جریان‌های مهم بیشتر بپردازم. مسائلی را که روشن بوده که یک فضای تاریکی را روشن کنم.» در مجموع می‌توان گفت رسول جعفریان موفق شده است اثری در خور توجه در بررسی و مطالعه نقش جریان‌های مذهبی در انقلاب ایران بنویسد که پس از چند دهه هنوز به عنوان یک منبع مهم در شناخت جریان‌های سیاسی و مذهبی به حساب می‌آید.



پیمانه» نگاه دین‌مدارانه به عالم سبب می‌شود آدمی همه احوال فردی و اجتماعی خود را به خطا و یا به صواب، توجیه دینی کند. مثلاً وقتی از حضور در بخشی از فعالیت‌های زیستی و اجتماعی دوری می‌کند، این را نیز وظیفه‌ای دینی می‌داند؛ مانند اینکه می‌گوید مسیح فرمود: دنیا را به قیصر واگذار کنید و یا چون به گونه شما سبلی زدن، گونه دیگر را پیش آورید: «توجه و تبیین دینی زندگی، از راه آگاهی به غیب حاصل می‌شود که بی‌گمان فراز از ادراک حسی و عقلی است؛ زیرا ادراک حسی مربوط به ظاهر زندگی دنیاست و از باطن آن بی‌خبر. به بیانی دیگر، ادراک حسی از بود یا نبود غیب خبر نمی‌دهد. ادراک عقلی در صورت کامل بودن، به کلیات عوالم پی می‌برد؛ بدین معنا که عقلی ادراک عقلی، اصل وجود حقیقت و یا حقایقی که فایق بر انسان و جهان‌اند، اثبات می‌شود و بیش از آنکه به ویژگی‌های خاص باطن هر فرد و افعال او مربوط باشد، در گرو شناخت عالم غیب و باطن هستی است و این شناخت فایق با شهود غیب همراه است، از راه وحی صورت می‌پذیرد.»